

تبیین آموزه‌های تربیتی شهید مطهری در تحقق سبک زندگی اسلامی بر اساس حیات طیبه

ستاره موسوی^۱

چکیده

هدف از تحقیق حاضر، تبیین کیفی آموزه‌های تربیتی شهید مطهری در تحقق سبک زندگی اسلامی بر اساس ابعاد حیات طیبه است. برای این منظور، از روش تحقیق تحلیل مضمون استفاده شد. حوزه پژوهش در این زمینه شامل متون موجود در حوزه سبک زندگی اسلامی بود که با مرور و تحلیل این متون، آموزه‌ها استنباط گردید. مؤلفه‌های تربیتی مؤثر در حیطه سبک زندگی اسلامی از کتب شهید مطهری استخراج و در هشت حوزه مختلف تفکیک شدند: اعتقادی، اخلاقی، دینی، زیستی، آموزشی، اجتماعی-سیاسی، اقتصادی-حرفه‌ای و هنری-زیباشناختی. نتایج نشان می‌دهند که در حیطه‌های اعتقادی (پیوند تربیت با معنویت، شکوفایی روح، توجه به عبادت در تربیت)، اخلاقی (مراقبه و محاسبه، اهمیت تربیت دوران کودکی، محبت، هدایت‌خواهی، اهمیت تشویق و تنبیه، پرورش انسان دوستی، تقویت استقلال و اراده، پرورش عادات مثبت، توجه به محیط، و معلم با اخلاق)، علمی (تقویت باورهای ارزشی و پرورش ظرفیت‌های عقلانی)، هنری (رشد روحیه زیبایی‌شناسی و پرورش استعدادها) و اجتماعی (پرورش سواد سیاسی-اجتماعی) مهم‌ترین مؤلفه‌های تربیتی سبک زندگی از دیدگاه شهید مطهری به شمار می‌روند. درواقع، ایمان و عمل صالح به عنوان ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه بر اساس دیدگاه شهید مطهری مطرح شده است و ایشان نگرش جامع و کاملی به این موضوع ارائه داده‌اند. واژگان کلیدی: تربیت، شهید مطهری، سبک زندگی اسلامی، حیات طیبه

۱. دانش آموخته دکتری برنامه ریزی درسی، مدرس دانشگاه؛ setarehmousavi@gmail.com

۱. مقدمه

نظام آموزش و پرورش هر کشوری مهم‌ترین و مؤثرترین نظام پرورشی و رشد شخصیت کودکان و نوجوانان است. ضرورت توجه به رشد شخصیت آدمی و اهمیت پرورش جسمی و سلامت تن و پرورش قوای ذهنی و پرورش عواطف هنری و رشد اخلاقی و تربیت دینی دانش آموزان موجب شده است که این امر مهم به عنوان یکی از کارکردهای اساسی نظام آموزشی و پرورشی به حساب آید و تربیت همه جانبه فرد از هدف‌های عمده محسوب شود (صافی، ۱۳۹۱، ص ۱۰). از آنجاکه یکی از عوامل تأثیرگذار بر اقتصاد ملی و همچنین سطح بهداشت روانی افراد جامعه، سبک زندگی آنان است، از جمله حوزه‌هایی که دین و بخصوص دین اسلام به آن توجه کرده است، حوزه تعلیم و تربیت است. قرآن کریم نیز بارها به تعقل، اندیشه، تفکر، یادگیری و تربیت توجه کرده است؛ در سبک زندگی پیامبر و ائمه، روایت‌ها و احادیث ایشان نیز، شیوه‌های خاصی از تعلیم و تربیت ارائه شده است. الگوگیری از این سبک زندگی می‌تواند زمینه‌ساز تعلیم و تربیتی گردد که انسان را به سوی رستگاری و سعادت سوق می‌دهد. این سبک زندگی اسلامی، در حوزه‌های مختلف آموزشی و پرورشی، رفتار، نگرش‌ها، باورها و اندیشه‌های آموزشی و تربیتی را شکل می‌دهند که می‌تواند راهگشای معضلات گوناگونی باشد که امروزه دامن‌گیر جوامع انسانی شده است. (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۸۰؛ فقیهی، ۱۳۹۲؛ موسوی گلانی، ۱۳۹۲؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۱؛ حر عاملی، ۱۴۱۶، نهج البلاغه، ۱۳۸۵).

سبک زندگی و آداب اسلامی در عرصه زندگی فردی و اجتماعی از مباحث بسیار ضروری جامعه کنونی ما است. ارکان اصلی شکل‌دهی به هویت اجتماعی یک جامعه شامل باورها (جهان‌بینی)، ارزش‌ها (ایدئولوژی) و سبک زندگی (نظام ترجیحات رفتاری) می‌گردد و تمایزات و تفاوت‌های جوامع مختلف نیز به همین سه مقوله بازگشت می‌کند (شریفی، ۱۳۹۱، ص ۲). تأکیدات رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۱) مبنی بر پیشرفت در بخش حقیقی و اصلی تمدن که همانا سبک زندگی است، نشان‌دهنده اهمیت سبک زندگی اسلامی در ساخت پدیده‌های اجتماعی است. بنابراین، بازگشت به مبانی دین اسلام در این زمان ضروری‌تر از عصر حضور پیامبر ﷺ و ائمه معصومان علیهم‌السلام است، چراکه عصر مدرنیته با حذف مبادی و مبانی دینی در تولید و بازتولید نهادهای اجتماعی و انسانی همانند مدارس، آن‌ها را به برساخت‌های خالی از معنویت تبدیل نموده است (عبداللهی، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

آموزش شیوه‌ها و مهارت‌های بهتر و سالم‌تر زندگی کردن باعث می‌گردد که دانش آموزان بتوانند با استفاده از روش‌های مؤثر، کیفیت زندگی خود را ارتقاء دهند و مهارت‌های لازم را برای داشتن زندگی بهتر به دست آورند.

بنابراین، هدف تحقیق حاضر این است که با شناسایی آموزه‌های تربیتی شهید مطهری در تحقق سبک زندگی ایرانی اسلامی بر اساس ابعاد حیات طیبه (اعتقادی، دینی، اخلاقی، زیستی، علمی - آموزشی، اجتماعی - سیاسی، اقتصادی - حرفه‌ای و زیبایی شناسی - هنری) مدلی برای فعالیت‌های تربیتی بر اساس آموزه‌های شهید مطهری ارائه می‌نماید.

به این ترتیب این پژوهش در پی پاسخگویی به دو پرسش عمده است: ۱- دیدگاه‌های تربیتی شهید مطهری چیست؟ ۲- دلالت‌های تربیتی نظریه این متفکر در خصوص سبک زندگی اسلامی چیست؟ هدف کلی این مقاله بیان دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری و استنتاج دلالت‌های تربیتی آن است. بیان دلالت‌های تربیتی به نوبه خود خواهد توانست دست‌اندرکاران سطوح مختلف نظام تعلیم و تربیت کنونی را بر نقاط قوت و ضعف خود آگاه نموده و مسیر اصلاح و پیشرفت در نظام آموزشی را هموار سازد. به این ترتیب با استفاده از روش توصیفی - تفسیری ابتدا دیدگاه‌های اخلاقی شهید مطهری را بیان و سپس دلالت‌های تربیت اخلاقی را از نظر وی استخراج می‌نماییم.

۲. پیشینه

در نظام اندیشه شهید مطهری، فطرت انسان به عنوان نوع خاص آفرینش و وجه تمایز بخش روح او، به عنوان مؤلفه و متغیری تعیین‌کننده در بحث تکامل خود را نشان می‌دهد. اقتضائات وجودی انسان در حوزه جسمانیة الحدوث و روحانیة البقا بودن فس او موجب می‌شود که کمال انسان و جامعه نیز از همین دیدگاه و در مسیر استقلال هر چه بیشتر روح انسان از ماده تحلیل شود (حسین زاده یزدی، ۱۳۹۴).

بر اساس اندیشه شهید مطهری (ره) تربیت سیاسی در اسلام دارای رویکرد چندعاملی یا تعاملی است و سه پایه اصلی تربیت سیاسی در اسلام حکومت، خانواده و عالمان دینی هستند که تربیت سیاسی در تعامل این سه عامل با یکدیگر و ایفای نقش صحیح هر یک محقق خواهد شد (افتخاری و مهجور، ۱۳۹۵).

اهداف تعلیم و تربیت اسلامی شهید مطهری در راستای تحقق نتیجه اختصاصی و هدف کلی (تقرب الهی) تعریف می‌شود. این اهداف مجموعه‌ای از شایستگی‌های مربوط به درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن‌هاست که فراگیران در جهت تحصیل آمادگی برای تحقق مراتب تقرب الهی در همه ابعاد برای تکوین و تعالی هویت خویش، باید آن‌ها را کسب کنند (مجتهدی، ۱۳۹۶).

هم مطهری هم کرکگور به نقش اراده در ایمان قائل‌اند. هر دو باطن ایمان را تسلیم می‌دانند و هر دو تصویری از انسان تعالی یافته ارائه می‌کنند. باین حال، کرکگور اساساً متعلق ایمان را امر پارادوکسیکال خدای تجسد یافته در قالب بشر می‌داند در حالی که مطهری، ضمن تأکید بر ایمان عارفانه و شورمندانه، به عقلانی بودن ایمان دینی قائل است. آنچه، به رغم این اختلاف‌ها، مطهری و کرکگور را به یکدیگر نزدیک می‌کند تلقی آنان از زندگی اخلاقی است، زندگی‌ای که مبنایی ایمانی دارد و شاکله‌اش را تسلیم باطنی به خدایی می‌سازد که فطرت آدمی را سرشته است. به نظر می‌رسد می‌توان برای تلفیق دیدگاه‌های متفاوت کرکگور و مطهری راهی یافت. جست‌وجوی ما در پی این راه شورمندی ایمان کرکگوری را با میزانی کمال یافته از تکامل عقلانی نزد مطهری، که متضمن درک محدودیت‌ها و نارسایی‌های عقل انسانی است، هم‌تراز می‌کند (عرب زاده و خداپرست، ۱۴۰۰).

در مطالعاتی که داخل ایران صورت گرفته است، سبک زندگی ایرانی اسلامی و مؤلفه‌های آن به بیشتر به صورت کلی مورد توجه قرار گرفته است در صورتی که کشور اسلامی ما مملو از منابعی است که با دیدی کاربردی آموزه‌های تربیتی سبک زندگی را مطرح کردند، یکی از کلیدی‌ترین منابع، مجموعه سخنرانی‌ها و کتب شهید مطهری است. بنابراین به نظر می‌رسد رجوع به آثار متعدد ایشان، شیوه‌ای مناسب جهت دستیابی به معیارهای مناسب نظام آموزشی ایران در راستای کشف معیارها و مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی باشد. در آثار ایشان گزاره‌های متعددی در مورد رفتارها و هنجارهای اجتماعی و دینی وجود دارند که قابل بررسی و مطالعه است. البته چون وی در مقام ارائه یک نظریه علمی منسجم درباره جامعه‌پذیری نبوده، گزاره‌های یادشده به صورت پراکنده مطرح شده‌اند، و این پژوهش به دنبال استخراج مؤلفه‌ها و شاخص‌های سبک زندگی است. به عبارت دیگر، مسئله اصلی این پژوهش، شناسایی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی بر اساس ابعاد حیات طیبه از دیدگاه در شهید مطهری است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. سبک زندگی اسلامی

از آنجاکه سبک زندگی چارچوب شناختی است که فرد در قالب آن، رفتارهای خاصی را اتخاذ می‌کند تا با زندگی کنار بیاید، باور یا بی‌اعتنایی به ارزش‌های اسلامی، منجر به اتخاذ سبک زندگی متفاوتی خواهد شد؛ زیرا در اسلام، شیوه اداره زندگی در ابعاد گوناگون آن، مورد توجه قرار گرفته و در خصوص همه موارد مرتبط با سلامت فردی، خانوادگی و اجتماعی، توصیه‌ها و دستوراتی داده شده است، که به گزیده‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

خداوند متعال در آیه ۳۱ سوره نحل، می‌فرماید «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. خداوند در آیه ۶۷ سوره فرقان، حتی اسراف در انفاق را جایز ندانسته و فرموده است در این مورد نیز حد اعتدال باید رعایت شود. از آنجاکه در جهان بینی اسلامی هدف نهایی انسان دستیابی به مقام قرب الهی از راه عبودیت است، مصرف ناشی از هوای نفس او را از این مسیر منحرف می‌کند. بنابراین اخلاق مصرف در اسلام بر مبنای نفی نیازهای کاذب و غیرواقعی و دوری از هوای نفس قرار دارد. معیاری که، از تمایزات اساسی میان مکتب اقتصادی اسلام و نظام سرمایه‌داری است که بر رضایت فردی از راه مصرف زیاد باهدف لذت‌جویی تأکید دارد. در چنین فضایی است که تبلیغات تجاری از فلسفه وجودی خود فاصله گرفته و کارکرد اصلی آن به جای معرفی کالا به ایجاد احساس نیاز تبدیل می‌شود. گذشته از تبلیغات رسانه‌ای که مخاطبان را به طور مستقیم به مصرف هرچه بیشتر ترغیب می‌کنند، فیلم‌ها و زنجیره‌ها نیز به گونه‌ای غیرمستقیم، با به نمایش گذاردن مدل‌های جدید و جذاب پوشش، مبلمان منزل، خودروهای شخصی، خوراکی‌ها و تنقلات و سایر اقلام مصرفی، به اشتیاق غیرمنطقی و اسراف گونه برای خرید کالاها و خدمات دامن می‌زنند که پیامدی جز اسراف، مدگرایی و مسابقه مصرف در قشر مرفه و سرخوردگی و حسرت در قشر کم‌درآمد جامعه در پی ندارد.

در ارتباط با مدیریت بدن، بیش‌ترین توصیه‌های اسلام در مورد بهداشت و پاکیزگی است. حر عاملی در وسائل الشیعه به حدود ۴۰۰ حدیث در خصوص استحمام و بهداشت اشاره می‌کند. از پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ، نقل شده است که ایشان فرمودند «بد بنده‌ای است شخص کثیف» (کلینی، همان، ج. ۶: ۴۳۹)؛ همچنین از قول حضرت صادق علیه السلام آمده است: «باید هریک از شما در

روزهای جمعه خود را بیاراید، شست و شو کند، خود را معطر نماید، موها را شانه زند، پاکیزه‌ترین لباس خود را بپوشد» (کلانتری، ۱۳۸۸: ۴۴). در خصوص پوشش، اسلام استفاده از رنگ سفید را مورد تأکید قرار می‌دهد، که رنگ پاکیزگی است و به لحاظ روان‌شناختی تأثیر مثبتی بر روح و روان انسان دارد. پیامبر فرموده است سفید بپوشید که آن پاکیزه‌تر و نظیف‌تر است (کلینی، همان، ج ۶: ۴۴۵). بر اساس روایتی از امام صادق (ع)، شام نخوردن در اسلام نهی شده است. آن حضرت می‌فرماید: «شام نخوردن سبب از بین رفتن بدن می‌شود» (امام خمینی، ج ۲: ۱۶۳) و در حدیثی دیگر از آن حضرت نقل شده است «شام نخوردن، موجب پیری (زودرس) می‌شود» (حر عاملی، همان، ج ۲۴: ۳۳۰). بنابراین در اسلام برای مدیریت بدن، محدودیتی وجود ندارد و انسان، جایز به انجام همه کارهایی است که از حدود شرع خارج نشده باشد و ضرری را متوجه فرد و جامعه نکند.

اسلام، بر ارضای نیازهای فراغت در چارچوب شرع و در حد اعتدال تأکید می‌کند. در سوره غافر در بیان علت زیان دیدن گروهی از زیانکاران، آمده است: این به آن سبب است که در روی زمین به ناحق شادی کرده و به خاطر آن سرمستی و تکبر می‌کردید (غافر: ۷۵). اسلام، راه‌های متنوعی را برای گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد.

امام علی (ع)، صله رحم را از شاخصه‌های دین‌داری (کلینی، همان، ج ۲، ص ۲۳۹) و امام باقر (ع) آن را موجب پاکی اعمال، رشد اموال، دفع بلاها، حساب‌رسی آسان و طول عمر دانسته است (کلینی، همان، ج ۱۵: ۲). گذشته از این‌ها، آیات بسیاری در قرآن، سیر در ارض به منظور عبرت‌آموزی و پند گرفتن، را به مسلمانان توصیه می‌کنند که از جمله آن‌ها می‌توان به سوره‌های آل عمران، آیه ۱۳۷، انعام، آیه ۱۱، حج، آیه ۴۶، نمل، آیه ۶۹، روم، آیه ۴۲، عنکبوت، آیه ۲۰ اشاره کرد. این موارد نشان دهنده آن است که نگاه اسلام به اوقات فراغت، تربیتی و اخلاقی است و نه پرکردن بدون هدف وقت. بنابراین سبک زندگی اسلامی دارای این ویژگی‌های اساسی است:

۱. به تمام جنبه‌های زندگی انسان توجه دارد؛
۲. تضمین‌کننده سلامت فرد، خانواده و جامعه است؛
۳. بر رعایت اصل میانه‌روی و اعتدال، قناعت و پرهیز از افراط (اسراف) و تفریط در «مصرف»، توجه به پاکیزگی، سادگی؛ و پایبندی به اصول اخلاقی و تربیتی تأکید دارد.

۴. روش پژوهش

هدف از تحقیق حاضر شناخت، تحلیل و گزارش الگو و برنامه در داده‌های متنی است. همسو باهدف تحقیق از روش تحلیل مضمون استفاده شد. تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و تحلیل متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. از آنجاکه تحلیل مضمون به روش‌های نظری و فنی خاصی (مانند نظریه داده بنیاد و تحلیل گفتمان) نیاز ندارد، از آن می‌توان به مثابه روش تحلیلی ساده‌تر و راحت‌تری در ابتدای تحقیقات کیفی استفاده نمود (کینگ و هاروکس^۱، ۲۰۱۰). داده‌ها هم‌زمان و در طول مدت زمان جمع‌آوری با روش تحلیل محتوای کیفی مرسوم تحلیل خواهند شد. بدین منظور، نخست متن مصاحبه جهت به دست آوردن بینش و درک کامل محتوا و داده‌های درون آن چندین بار مطالعه خواهد شد. سپس واحدهای معنایی براساس هدف و سؤال پژوهش مشخص می‌شوند. بعدازآن، نکات و عناوین مهم متن به صورت کد باز با در نظر گرفتن محتوای پیدا و پنهان از درون آن استخراج می‌شوند. کدها براساس تفاوت‌ها و شباهت‌های شان دسته‌بندی شده و کدهای با مفهوم مشترک، در یک طبقه قرار گرفته و نام‌گذاری خواهند شد. با انجام هر مصاحبه جدید امکان دارد طبقه‌های قبلی بازنگری و حتی ادغام یا طبقه جدیدی ایجاد گردد. تحلیل اطلاعات نیز با اتکا به روش تحلیل مضمون در دو مرحله انجام شد. مرحله اول استخراج عبارات و مضامین پایه‌ای بود و در مرحله دوم مضامین سازمان دهنده و فراگیر از مضامین پایه‌ای به دست آمدند.

این تحقیق از دو بخش تشکیل شده است. بخش اول مربوط به شناسایی مؤلفه‌های تربیتی شهید مطهری در تحقق سبک زندگی اسلامی بر اساس ابعاد حیات طیبه با توجه به منابع موجود بود. این منابع که بخشی از حوزه پژوهش را تشکیل دادند شامل کتب اسلامی و مجلات دینی بودند. در تحلیل مؤلفه‌های تربیتی شهید مطهری در سبک زندگی اسلامی مضامینی که دال بر اندیشه‌ها، باورها، رفتارها و کنش‌های انسانی و چگونگی زندگی کردن از منظر اسلام بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. این مؤلفه‌ها با توجه به ابعاد مختلف حیات طیبه از جنبه دینی، اعتقادی، اخلاقی، زیستی،

علمی و آموزشی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای و زیبایی‌شناسی و هنر دسته‌بندی شدند. در بخش دوم، برنامه فعالیت‌های تربیتی که در آیات و روایات به صورت مکتوب موجود است، بررسی شدند و با توجه به مبانی اساسی تربیت در پنج حوزه هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و دین‌شناختی دسته‌بندی گردیدند.

۵. یافته‌های پژوهش

آموزه‌های تربیتی شهید مطهری در تحقق سبک زندگی اسلامی بر اساس ابعاد حیات طیبه کدامند؟

برای شناخت آموزه‌های تربیتی شهید مطهری در تحقق سبک زندگی اسلامی بر اساس ابعاد حیات طیبه، ابتدا مفهوم‌های موجود در مبانی دینی و اسلامی با تأکید بر آیات قرآن کریم استخراج شدند که نشان‌دهنده چگونگی زندگی انسان و جامعه اسلامی از منظر اسلام است، بخش دیگری از مفاهیم و دیدگاه‌ها نیز از کتاب مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران استخراج شدند که بر پایه تعالیم اسلام و متناسب با فرهنگ ایران تدوین شده است. با استفاده از این مفاهیم و نظرات، مضامین پایه‌ای استخراج گردیدند. این مضامین نشان‌دهنده باورها و اندیشه‌ها و شیوه‌کنش و رفتار یک مسلمان در جامعه اسلامی است. پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای اکنون می‌توان مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر را مشخص نمود. در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می‌شود با سازماندهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای به مضامین انتزاعی‌تری دست یافت که به مضمون‌های اصلی‌تر منجر می‌شود. مضامین سازمان‌دهنده سطح ۱ با توجه ابعاد هشت‌گانه وجودی انسان اعتقادی، دینی، اخلاقی، جسمی، هنری، علمی، اجتماعی - سیاسی و اقتصادی - حرفه‌ای تفکیک شده‌اند. نتایج که در جدول قابل مشاهده است، درنهایت مضمون فراگیر ابعاد حیات طیبه در سبک زندگی اسلامی را به دست می‌دهد.

جدول ۱: استخراج عبارات و مضامین پایه‌ای در آموزه‌های تربیتی شهید مطهری

عبارت	مضمون پایه‌ای
استاد شهید مطهری رحمته‌الله معتقد است تربیت انسان باید برای شکوفا کردن روح باشد. این معلم فرزانه اعتقاد دارد تأثیر تربیت در دوره‌های مختلف عمر آدمی یکسان نیست و هر دوره‌ای با دوره دیگر فرق دارد و بعضی دوره‌ها را برای شکوفا شدن استعدادها ارجح و مناسب دانسته است (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۵۲)	شکوفایی روح
روح انسان در زمان کودکی، حالت قابل انعطافی دارد و مانند همان ماده شل است. هر چه انسان بزرگ‌تر شود قابلیت انعطاف آن کمتر می‌شود. بر همین اساس گفته‌اند: العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر. البته دانشمندان امروز هم به تربیت دوران کودکی بیشتر اهمیت می‌دهند. بچه‌ای که در کودکیستان است از بچه دبستانی و بچه دبستانی از نوجوان دبیرستان و نوجوان دبیرستان از جوان دانشگاه، جنبه پذیرش بیشتر است (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۲۴).	اهمیت تربیت کودکی
از دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری دومین گام اساسی در تعلیم و تربیت اسلامی پرورش استعدادهای نهفته در وجود آدمی است. از اولیات انسان‌شناسی اسلامی یکی این است که لوح وجود آدمی در بدو تولد پاکوبی نقش نیست و خداوند در نهاد همه ابناء بشر پیش از تولد آن‌ها آداب و عقایدی را به ودیعه نهاده است. این تعلیمات پیشینی، اگرچه به نحو آگاهانه در ضمیر انسان‌ها موجود و مستقرند لکن همه آن‌ها بالفعل نیستند و در بسیاری از موارد از قوه به فعل درآوردن انسان‌ها محتاج نوع خاصی از سلوک جسمی و روحی و مآلاً نحوه خاصی از تربیت و آموزش است. استاد شهید معتقد است که به‌واقع تربیت چیزی جز پرورش دادن استعدادهای موجود در باطن انسان‌ها نیست. اگر انسان چیزی هم از خارج می‌آموزد برای آن است که آن آموخته‌ها و اطلاعات را بر «فطریات خود» بیفزاید و از امتزاج و در هم رفتن آن‌ها نیروی بیشتری بگیرد و طریق کمال را سریع‌تر طی کند (صالحی، مرادی و فیروزی، ۱۳۹۳).	پرورش استعدادها
مطابق آنچه شهید مطهری بیان داشته است، اسلام یک دین طرفدار عقل است که به نحوی شدید روی این استعداد تکیه کرده است و نه تنها مانند برخی از کشیشان مسیحی با عقل مبارزه نکرده، بلکه از آن کمک و تأیید خواسته است. شهید استناد به حدیثی از امام حسین علیه‌السلام دارد که حجت خدا بر انسان را دو حجت ظاهر و باطن برمی‌شمارد که حجت ظاهر انبیا هستند و حجت باطن عقل انسان. شهید بر اساس روایات اسلامی عقل را نیرو و قوه تجزیه تحلیل می‌داند که غربال‌کننده، تجزیه و	پرورش تعقل

عبارت	مضمون پایه‌ای
تحلیل‌کننده و سنجش‌گر خوب و بد است و به انسان یاری می‌رساند در مسیر زندگی خوب و بد را تفکیک کرده و خوب‌ترین را انتخاب کند. شهید مطهری در توضیح چگونگی بهره از عقل بر پایه حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام اشاره می‌فرماید که نباید به تنهایی به عقل اکتفا کرد، بلکه عقل باید توأمان به علم باشد؛ چراکه عقل یک حالت غریزی و طبیعی دارد که هرکسی از آن بهره‌ای دارد، اما علم، عقل را تربیت می‌کند و آن را پرورش می‌دهد.	پرورش تعقل
اراده در منظر استاد شهید از آن دسته عواملی است که هم خود باید پرورش یابد و هم استعداد و عاملی بسیار مهم در مسیر تربیت اسلامی است. شهید، اراده را قوه اجرایی عقل می‌شناسد و اعتقاد بر آن دارد که میل‌های آدمی باید تحت حکومت اراده و در نتیجه عقل باشد. ایشان براساس حدیثی از امام علی علیه السلام انسان با اراده را همچون سواری می‌داند که مرکبش رام است و اختیار مرکب را در دست دارد. استاد شهید اراده را نیرویی برآمده از عقل می‌داند و آن را از میل که برآمده از طبیعت انسان است، تفکیک می‌کند و معتقد است: «میل از نوع کشش و جاذبه است که اشیای مورد نیاز، انسان را به سوی خود می‌کشند و به هر اندازه که میل شدیدتر باشد، اختیار از انسان مسلوب‌تر و انسان در اختیار قدرتی بیرون از خود است. برعکس اراده که یک نیروی درونی است. انسان، با اراده خودش را از تأثیر نیروهای بیرونی خارج و مستقل می‌کند. اراده هر مقدار که قوی‌تر باشد، بر اختیار انسان افزود می‌شود و انسان بیشتر مالک خود و سرنوشت خود می‌گردد.» «یکی از مسائلی که مذهبیان به آن متمسک می‌شوند در همین جاست. می‌گویند اراده، قوه اجرایی عقلا است ولی خود عقل چیست و از عقل چه کاری ساخته است؟ عقل جز روشنائی چیز دیگری نیست که انسان را روشن می‌کند، اما آیا روشن کردن به انسان جهت می‌دهد که حالا که اطرافت روشن نشد از این طرف برو یا از آن طرف؟ انسان دنبال آنچه می‌خواهد می‌رود و از چراغ عقل استفاده می‌کند برای رسیدن به مطلوب خودش. مشکل این است که چه مطلوبی داشته باشد؟ البته در اینکه انسان نیاز دارد به چراغ عقل برای اینکه (راه او را) روشن کند بحثی نیست. انسان اگر در تاریکی حرکت کند، مطلوب خودش را گم می‌کند. در نیاز به عقل بحثی نیست. ولی سخن در این است که عقل و علم، که در واقع مکمل و به عبارت دیگر عقل اکتسابی است، روشنائی است، محیط را روشن می‌کند، انسان می‌فهمد چه می‌کند، می‌فهمد	تقویت استقلال و اراده

عبارت	مضمون پایه‌ای
که اگر بخواهد به فلان مقصد برسد از اینجا باید برود این وسیله است برای آن مقصد و آن وسیله است برای این مقصد ولی آیا فهمیدن و دانستن کافی است که اراده انسان بر تمایلات او حکومت بکند؟ نه، چرا؟ برای اینکه انسان فی حد ذاته این طور است که دنبال منافع خودش می‌رود و اراده‌اش تا آن اندازه که ممکن است بر میل‌هایش حکومت بکند که منافعش اقتضا می‌کند» (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۲۲)	تقویت استقلال و اراده
از نظر شهید مطهری اگر انسانی به دنبال تربیت خود، فرزندان یا افراد دیگر به تربیت اسلامی است، باید به مسئله نیایش، دعا و عبادت اهمیت وافر دهد؛ چرا که عبادت صرف نظر از اینکه خود پرورش دهنده یک حس اصیل انسانی است، تأثیر بسیار زیادی بر سایر نواحی انسان دارد. البته شهید تأکید دارند که این پرورش حس عبادت باید به معنای واقعی باشد، وگرنه «چهارتا خم و راست شدن به صورت نماز که انسان خودش هم نمی‌فهمد چه می‌کند و اصلاً نمی‌فهمد که حال یعنی چه، مناجات یعنی چه، راز و نیاز یعنی چه، منقطع شدن به حق یعنی چه و اینکه لحظاتی بر انسان بگذرد که در آن لحظات اصلاً انسان چیزی از غیر خدا به یادش نیاید، یعنی چه، این عبادت نیست و نیز انسان فقط دهانش را یک ماه رمضان هر روز از صبح تا غروب ببندد، این عبادت نیست.	توجه به عبادت در تربیت
شهید مطهری «مراقبه و محاسبه» را از دیگر عوامل تربیتی می‌داند که مختص تعلیم و تربیت‌های دینی و مذهبی است و در تعلیم و تربیت‌های غیرمذهبی راهی ندارد. در واقع انسان با مراقبه‌ای که در امتداد عبادت پیش می‌آید از خود حساب‌کشی کرده و کارهای یومیه خود را می‌سنجد تا کارهای خوب از بد تفکیک شده و از کارهای بد استغفار و توبه کند. شهید «مراقبه» را بر اساس آنچه علمای اخلاق می‌گویند مادر همه مسائل اخلاقی دانسته و مراقبه انسان از خود را تعبیر به بازرسی می‌کنند که همیشه با انسان است و جزئیات اعمال و رفتار او را تحت نظر دارد، بنابراین مراقبه چیزی است که انسان باید همیشه به همراه داشته باشد. «محاسبه» نیز مطابق تعریف شهید مطهری ترازویی است که سبکی و سنگینی اعمال انسان را می‌سنجد. همچنین شهید پیش شرط مرحله «مراقبه» و «محاسبه» را مشارطه، به معنای شرط کردن انسان با خود به جهت رعایت یکسری موازین، ذکر می‌کند و مرحله پسینی «محاسبه» را، معاتبه به معنای ملامت کردن خود و معاقبه به معنای عقوبت کردن خود بیان می‌کند.	مراقبه و محاسبه

مضمون پایه‌ای	عبارت
پیوند تربیت با معنویت	بین تربیت و معنویت رابطه ذاتی وجود دارد. در همه اجزا و عناصر تربیتی باید از طریق دعا و نیایش، جهت فعالیت‌ها را به سوی خداوند معطوف کنیم تا هدف‌های تربیتی تحقق یابد. به قدری این ارتباط تربیت و معنویت قوی است که اگر برخی ارزش‌های انسان که مورد قبول دین اسلام هم هست در وجود کسی باشد نهایتاً آن انسان به سوی معنویت الهی حرکت خواهد کرد. «اگر انسان علاقه‌مند به تربیت خودش و فرزندانش به تربیت اسلامی هست و یا می‌خواهد افرادی را تربیت کند واقعاً باید به مسئله نیایش، دعا و عبادت اهمیت بدهد و اصلاً مسئله عبادت، قطع نظر از اینکه پرورش یک حس اصیل است تأثیر زیادی بر سایر نواحی آن دارد» (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۴۱)
پرورش انسان دوستی	«یک وقت می‌گوییم «انسان» یعنی این هیكل خاص که در همه این افراد مشترک است و انسان را دوست داشته باشیم؛ یعنی هرکسی را که از نسل آدم هست دوست داشته باشیم و خلاصه منظور از انسان، انسان زیست‌شناسی، آن که زیست‌شناسی او را انسان می‌داند. آیا مقصود این است؟ یا نه مقصود انسان بما هو انسان است؛ یعنی انسان به خاطر ارزش‌های انسانی به خاطر انسانیت و انسان دوستی یعنی انسانیت دوستی. اینجاست که وقتی چمبه و لومومبا را کنار همدیگر می‌گذاریم، دو نوع از آب درمی‌آیند؛ این یک چیز از آب درمی‌آید، آن چیز دیگر؛ یعنی ممکن است این یک انسان از آب درمی‌آید یک انسان درست با ارزش‌های انسانی و آن نه تنها یک انسان نباشد بلکه حیوان هم نباشد و به تعبیر قرآن از حیوان هم چند درجه پایین‌تر باشد، انسان را باید دوست داشت به خاطر انسانیت نه به خاطر همین هیكلش و به عبارت دیگر انسانیت را باید دوست داشت» (مطهری، ۱۳۷۴: ۳۵۹).
توجه به محیط	محیط یعنی مجموعه‌ای از انسان‌ها و آثار آن‌ها که هر فردی خواه ناخواه با آن‌ها مواجه است. محیط اگر فاسد و منافی اخلاق پست‌دیده باشد، اخلاق افراد را فاسد می‌گرداند. طبیعت روحی و اخلاقی انسان مانند آب است، تحت تأثیر اشیاء مجاور قرار می‌گیرد. بستر آلوده یعنی محیط اجتماعی آلوده وی را آلوده می‌کند و او را به شکل و طبیعت خود درمی‌آورد (مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ۱۳۸۵: ۱۹۱). برای یک موجود زنده آسایش و خوشی آنگاه فراهم است که با محیط و مجموع عواملی که او را احاطه کرده است، هماهنگ و سازگار باشد. در ارتباط با انسان باید دو محیط مدنظر قرار بگیرد: محیط طبیعی و جغرافیایی و محیط اجتماعی (مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ۱۳۸۴: ۲۳).

عبارت	مضمون پایه‌ای
به نظر مطهری تأثیر معاشرت و همنشینی چه در جهت نیکی و چه در جهت بدی واضح و آشکار است. انسان روح بسیار حساسی دارد و زود از دیگران تأثیر می‌پذیرد. ممکن است برخی اشخاص خود را فریب دهند و خیال کنند محیط و معاشرت در آن‌ها تأثیری ندارد. ولی این فکر اشتباه است، چون انسان با روحی بسیار حساس و قابل تغییر آفریده شده است (مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ۱۳۸۴: ۲۸۰). به همین دلیل معاشرت با صالحان و نیکان از جمله عواملی است که برای اصلاح و تربیت به آن توجه شده است.	دوست خوب نیکو
به عقیده مطهری عادت عکس‌العملی است که موجود زنده در مقابل تأثیر خارجی از خود نشان می‌دهد. هنگامی که کاغذ را تا می‌کنیم کاغذ تنها اثر ما را می‌پذیرد و کار دیگری نمی‌کند. اما خصلت موجود زنده این است که در مقابل مؤثر خارجی، اگر بر ضد جریان حیاتی او بخواهد دست به کار شود، عکس‌العمل مقاومت آمیز نشان می‌دهد و از درون آمادگی ویژه‌ای در خود ایجاد می‌کند تا مؤثر خارجی نتواند حیات و هستی او را تهدید کند (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸، ص ۲۲۹).	پرورش عادت مثبت
مطهری به اهمیت تشویق و تنبیه نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: در مراحل اولیه زندگی تنها وسیله نشر و توسعه فضایل و کمالات آدمیت تشویق است (مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ۱۳۸۵، ص ۱۳۶). وی تنبیه را به عنوان یکی از «شرایط» تربیت می‌شناسد و آن را عامل «تربیت» نمی‌داند.	
وی در تعریف تنبیه چنین می‌گوید: «یکی از مجازات، جلوگیری از تکرار جرم به وسیله خود مجرم یا دیگران است از طریق ربعی که کیفر دادن ایجاد می‌کند، و به همین جهت می‌توان این نوع مجازات را تنبیه نامید» (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۸، ص ۲۳۴).	اهمیت تشویق و تنبیه
مربی یعنی کسی که متصدی بهداشت روحی جامعه است. ما در بهداشت جسمی که بیشتر مربوط به محسوسات است می‌بینیم چه اندازه تحصیل و مطالعه و تجربه لازم است تا یک نفر، آن هم در یک قسمت مخصوص، متخصص شمرده شود. قطعاً در بهداشت روحی، بیشتر فکر و تحصیل و مطالعه در رشته‌های مختلف علوم و تجربه، لازم است تا یک نفر صلاحیت عهده‌داری این وظیفه خطیر را پیدا کند. همان‌طوری که کوچک‌ترین اشتباه برای یک طبیب گاهی زیان‌های جبران‌ناپذیری برای یک فرد به بار می‌آورد و گاهی منجر به هلاکت مریض می‌شود، اشتباهات تربیتی و روحی نیز گاهی زیان‌های عظیم و غیرقابل جبرانی را در جامعه ایجاد می‌کند که یک ملت را تا پرتگاه فنا و اضمحلال سوق می‌دهد (مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ۱۳۸۵: ۲۳).	معلم با اخلاق

مضمون پایه‌ای	عبارت
هدایت‌خواهی	«وقتی که این‌ها (افراد ضد اسلام) هدایت نمی‌شوند و گذشته از این به صورت خار در سر راه دیگران درمی‌آیند، باید به آن‌ها به چشم یک مانع نگاه کرد ولی نباید بدخواهشان بود. حتی انسان، بدخواه ابوجهل هم نباید باشد و مثلاً بگوید خدا نکند که ابوجهل مسلمان شود و به شهادت برسد. نباید آرزو کنیم که مانند ابوجهل‌ها یک وقت راه به حق پیدا نکند. یزید بن معاویه هم وقتی که از زین العابدین علیه السلام سؤال می‌کند که آیا من اگر توبه کنم توبه من قبول است یا نه، حضرت می‌فرماید بله قبول است؛ یعنی او هم بدخواه یزید نیست که آرزو کند که چون یزید قاتل پدرش است توفیق توجه پیدا نیابد تا به جهنم برود، بلکه برای او هم خیر می‌خواهد» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۵۷)
پرورش جسم	تربیت و پرورش جسم به معنی واقعی آن که تربیت و تقویت و سالم نگه داشتن و نیرومند کردن جسم است. بدون شک ممدوح است و ضروریات دین مبین اسلام است، تأکیدات اسلام مبنی بر رعایت نظافت، انجام غسل‌ها و نکات بهداشتی بیان‌گر اهمیت مراقبت از جسم و تن است (ماهنامه تربیت، س ۲۲، ش ۲، ۸۵/۸). به طور کلی باید در پرورش انسان میان همه استعدادهای طبیعی وی تعادل و هماهنگی ایجاد کرد. آن طور نباشد که استعدادی پرورش یابد و استعداد دیگری به دست فراموشی سپرده شود. (ماهنامه تربیت، س ۲۲، ش ۳، ۸۶/۹)
پرورش ظرفیت اخلاقی	وی استعداد اخلاقی را امر اصیلی در انسان می‌دانند که انسان در عمق سرشت و فطرت خود، اخلاقی خلق شده، یعنی این طور خلق شده که دیگران را دوست بدارد و خدمت کند و احساس نماید و از این که کار بدی انجام دهد، مثلاً ظلمی به دیگران بکند رنج می‌برد. خلاصه وجدانی که انسان، دیگران را از خود و خود را از دیگران بداند در هرکسی وجود دارد. (ماهنامه تربیت س ۲۲، ش ۲، ۸۵/۸).
توجه به علائق و نیازهای فراگیر	ایشان دوره شش سالگی تا جوانی را دوره‌ای بسیار مناسب برای شکوفایی استعدادهای مختلف می‌دانند و می‌گویند: روح متعلم در کودکی حالت قابل انعطافی دارد و هرچه بزرگ‌تر می‌شود از انعطاف آن کمتر می‌شود. باید توجه داشت که دانشمندان امروزی هم به تربیت دوران کودکی اهمیت بیشتری می‌دهند. درعین حال سفارش می‌کند هرکه در مسند تعلیم جای دارد باید بکوشد که رشد فکری یعنی قوه تجزیه و تحلیل به دانش‌آموز بدهد. لذا خود معلم نیز نباید تعصب و غرور و جمود داشته باشد و تصور کند آنچه را او دارد تمام علم است. (وکیلان، ص ۲۱۸) (ماهنامه تربیت، س ۲۲، ش ۹، ۸۶/۳)

عبارت	مضمون پایه‌ای
ایشان معتقدند که استفاده از عامل ترس و تهدید برای بازداشتن فرد از برخی طغیان‌های فردی و اجتماعی لازم باشد، ولی برای رشد دادن مناسب نیست. کودک بایستی از علت تشویق یا تنبیه و تهدید آگاه شود که اگر چنین شد مفیدتر و مؤثرتر است. مضافاً این است که اساس باید بر شکوفا کردن روح باشد و از آنجاکه دوره‌های عمر با همدیگر فرق دارد، لزوماً نحوه و روش شکوفا کردن روح فرد در سنین مختلف نیز باید متفاوت باشد. (ضمیری، ص ۲۴۷ - ۲۴۶) (ماهنامه تربیت، س ۲۲، ش ۹/۳/۸۶)	روش‌های تربیتی انعطاف‌پذیر
بی‌گمان شهید مطهری از پیش‌تازان بحث‌های مربوط به هنر است. از این‌رو، کسب معرفت هنری و شناخت زیبایی را سفارش می‌کرد و اهل اندیشه را به مطالعه هنر و فهم جایگاه بلند میراث‌های هنری فرامی‌خواند؛ جدای از اینکه بسیاری از بحث‌های فلسفه هنر پس از انقلاب اسلامی به ایران راه یافت و در زمان حیات شهید مطهری، ناگفته و ناشناخته مانده بود. از همین در آثار استاد به این بحث‌های نوظهور اشاره‌ای نشده است (جلالی، ۱۳۷۸) بنابراین وجود حس زیباگرایی در فطرت انسان، عاملی است که مربیان با استفاده از آن می‌توانند رغبت و گرایش‌های دانش‌آموزان را به مباحث تربیتی، پرورشی و به‌ویژه تربیت دینی افزایش دهند.	پرورش روحیه زیباشناسی
: اعتدال در مقابل افراط و تفریط است. افراط یعنی زیاده‌روی کردن در چیزی و تفریط یعنی کم دیدن و کم آوردن چیزی. هرکدام از این دو موجب اختلال در بقا، استمرار و سلامت کارها می‌شود. استاد مطهری معتقد بودند هر قوه و استعدادی برای هدف و غایتی ساخته شده است و مجموع آن هم غایتی کلی دارد، ما اگر بخواهیم بفهمیم که یک قوه در حد وسط است یا در افراط و یا در تفریط باید این جهت را کشف کنیم که این قوه اصلاً برای چه آفریده شده است. آنچه برای آن آفریده شده حد وسط است، اگر بیشتر از آنچه برای آن آفریده شده به کار افتد افراط است و اگر کمتر از آن به کار افتد تفریط است. قوه خشم در حدی که انسان از خود دفاع کند، حد وسط آن است. اگر از آن کمتر باشد و انسان به صورت آدم ضعیف توسری خوری درآید، حد نقص و تفریط آن است و اگر بیشتر از آن باشد که انسان به صورت فرد مهاجمی درآید که می‌خواهد توی سر دیگران بزند، حد افراط آن است» (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۱۲۵ - ۱۲۶).	اعتدال در تربیت
یکی از روش‌های قرآن در تعلیم و تربیت، استفهام است. در استفهام از طریق طرح سؤالات انسان به تدبر و تأمل می‌پردازد و او را به فهم عمیق‌تر موضوع راهنمایی می‌کند. در اندیشه شهید مطهری از این روش به عنوان روش بسیار خوب تعلیم و	پرسشگری

مضمون پایه‌ای	عبارت
پرسشگری	تربیت یاد می‌شود (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۴) دقت و سؤال کردن یکی از بهترین عوامل تقویت نیروی عقل است. انسانی که در شناخت کارها، کنجکاوی می‌کند اگر به‌واقع نرسد بازهم آن را رها نمی‌کند و از دانشمندان و اهل اطلاع سؤال می‌نماید؛ آن قدر به کار خویش ادامه می‌دهد تا به مطلوب برسد، چنین انسانی کمک عقل خویش را تقویت می‌کند و برای فهم و درک کارهای بسیار مهم و دشوار آماده می‌شود (امینی، ۱۳۸۴، ص ۳۷۴)
محبت	از دیدگاه شهید مطهری، انسان به محبت کردن و مورد محبت قرار گرفتن نیاز دارد. اگر این نیاز آدمی تأمین نشود، مشکلات روحی و اختلالات عاطفی و روانی متعددی برایش به وجود می‌آید و رابطه آن‌ها را با یکدیگر مختل می‌سازد (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۶) محبت در قاموس قرآن مجید، قرین دو ویژگی است: اولاً با حقیقت همراه باشد. ثانیاً خیر و مصلحت جامعه در آن باشد نه فرد. محبت این نیست که هرکسی را در تمایلاتش آزاد بگذاریم و یا تمایلات او را ارضا کنیم. محبت این است که با حقیقت همراه باشد. به علاوه، محبت منطقی و عاقلانه این است که خیر و مصلحت جامعه بشریت در او باشد نه خیر یک فرد و یا یک دسته مخصوص (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۵).
نقش الگویی	شهید مطهری در تشریح روش الگویی معتقد بودند تحقق تربیت اسلامی بدون وجود الگوهای کامل تربیتی به عنوان مظاهر عینی و نموده‌ای بیرونی به فرجام استواری نخواهد رسید؛ چراکه حرکت انسان در این راه می‌تواند دستخوش رهنی‌های گوناگونی شود و آنچه توانایی یاری رساندن به او را دارد، «دستگیری تربیتی» از سوی یک ولی والا است. وجود نمونه‌های اعلای تربیتی و راستین بشری این نوید عالی را در پی دارد که این راه، پیمودنی است و «انسان» می‌تواند «حرکت»، آغاز کند و نیک، پیش رود. شهید مطهری در چند اثر خود از حضرت ابراهیم علیه السلام به عنوان نمونه انسان کامل نزد قرآن یاد کرده که قابل تأسی و الگوبرداری است (حسینی، ۱۳۸۸). آنچه در این روش مورد نظر است این است که خود مربی به طور غیرمستقیم می‌تواند نقش الگویی داشته باشد. همچنین روش معرفی الگوهای مثبت با تأسی از قرآن و سیره اهل بیت علیهم السلام از جانب مربیان تعلیم و تربیت اسلامی در پرورش دانش‌آموزان بسیار مهم و کارساز است.

عبارت	مضمون پایه‌ای
تربیت اجتماعی در جایی تصور می‌شود که برای انسان‌های دیگر، حقوق و تکالیفی در نظر گرفته شود. زیرا «تربیت» فرآیندی است که در بعد اجتماعی هدفش تسهیل عمل به وظایف اجتماعی در مقابل سایر انسان‌ها و موقعیت‌های اجتماعی است. بنابراین الزام یک نظام تربیت اجتماعی منسجم، در نظر گرفتن حقوق متقابل افراد انسانی، در جامعه است و این نظام باید بتواند با ساده‌ترین روش‌ها مربیان خود را به حقوق اجتماعی یکدیگر آشنا ساخته و رفتار مطابق آن‌ها را درخواست نماید (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۵)	تربیت اجتماعی

پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای اکنون می‌توان مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر تربیتی را مشخص نمود. در این مرحله از تحلیل مضمونی سعی می‌شود با سازمان دهی مجدد مضامین اولیه یا همان مضامین پایه‌ای به مضامین انتزاعی تری دست یافت که به مضمون‌های اصلی‌تر منجر می‌شود. مضامین سازمان دهنده سطح ۱ با توجه ابعاد وجودی انسان اعتقادی، اخلاقی، جسمی، هنری، علمی، اجتماعی - سیاسی و اقتصادی - حرفه‌ای تفکیک شده‌اند.

جدول ۲: مضامین سازمان دهنده و فراگیر دلالت‌های تربیتی شهید مطهری

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده (۱)	مضامین سازمان دهنده (۲)	مضمون پایه‌ای (ابعاد تربیت)
مؤلفه‌های تربیتی	هستی‌شناختی	تربیت اعتقادی	شکوفایی روح
			توجه به عبادت در تربیت
			پیوند تربیت با معنویت
		تربیت اخلاقی	مراقبه و محاسبه
			اهمیت تربیت دوران کودکی
			محبت، نقش الگویی
			پرورش انسان دوستی
			اهمیت تشویق و تنبیه
			هدایت خواهی
			تقویت استقلال و اراده
			توجه به محیط
			پرورش عادات مثبت
			معلم با اخلاق
			انسجام خانواده
			سواد سیاسی و اجتماعی
			دوست خوب و نیکو
	معرفت‌شناختی	تربیت علمی	تقویت باورهای ارزشی پرورش ظرفیت‌های عقلانی
	ارزش‌شناختی	تربیت هنری	رشد روحیه زیبایی‌شناسی
			پرورش استعدادها
			پرورش جسم
			اعتدال در تربیت
		تربیت اجتماعی	پرسشگری
			پرورش سواد اجتماعی

همان طور که در جدول ۲ مشخص است، به نظر می‌رسد مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی از منظر شهید مطهری در رشد تربیتی و روان‌شناختی در حیطه‌های اعتقادی، هنر و زیبایی‌شناختی، اخلاقی، اجتماعی سیاسی و دینی مورد تأکید قرار گرفته است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله با ارائه تحلیلی آموزه‌های تربیتی در تحقق سبک زندگی اسلامی بر اساس نظرات شهید مطهری را بررسی کرده و سپس تحلیلی بر تعقل، پرسشگری، اخلاق، نیازها و علائق فراگیران، پرورش جسم، پرورش مهارت‌های اجتماعی، تقویت اخلاقیات، ترویج عادت‌های خوب و نقش دوست خوب در این راستا تأکید کرده است.

بررسی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که توجه به ترویج و تربیت سبک زندگی اسلامی دانش آموزان به واسطه آموزه‌های تربیتی بزرگانی چون شهید مطهری باعث رشد همه‌جانبه آن‌ها می‌گردد و حکمت به عنوان ثمره این تلاش آگاهانه در بازشناسی خویش و هستی از علم و عمل در فعالیت فراگیران به وجود می‌آید. همچنین باعث می‌گردد که دانش آموزان در ایده یابی و ایده پردازی رشد نموده و به مشارکت کردن و فعال بودن و حقیقت‌جویی و هویت‌یابی و همچنین درونی سازی ارزش‌ها و اعتقادات و اخلاقیات پرداخته و معلمان نیز به چگونگی یادگیری دانش آموزان و سبک تفکر و زندگی آن‌ها توجه نمایند. با توجه به این‌که مؤلفه‌های تربیتی در تحقق سبک زندگی اسلامی بازخوردهای مناسبی به فعالیت‌های دانش آموزان ارائه می‌شود؛ دانش آموزان می‌توانند؛ به خودشناسی دست یافته و بهترین داور پیشرفت خود باشند و با انجام خودارزیابی عملکرد مناسبی در زندگی داشته باشند.

یافته‌ها حاکی از آن است که ایمان و عمل صالح، ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است. حیات طیبه و لقای پروردگار، هر دو، با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. از آن جهت که «حیات» سبب حس و حرکت در همه موجودات است، «حیات طیبه» نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای آدمی می‌گردد. از آنجاکه موضوع سبک زندگی اسلامی و نیز قانون‌مند کردن آن برای همه بشریت، آن‌گونه که شایسته این مهم باشد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است، پژوهش در حیات طیبه که یک اصطلاح

قرآنی است و بررسی ویژگی‌های زندگی مرتبط با آن می‌تواند ما را به سبک زندگی مورد قبول اسلام رهنمون سازد. سبک زندگی اسلامی از طریق افزایش تاب‌آوری خانواده بر رضایت از زندگی تأثیر دارد. تقویت سبک زندگی اسلامی در خانواده، با افزایش تاب‌آوری خانواده در برابر سختی‌ها، موجب افزایش رضایت از زندگی اعضای خانواده می‌شود.

درمورد دلایل احتمالی تأثیر آموزه‌های تربیتی شهید مطهری بر سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن می‌توان گفت، تأکید آموزه‌های دینی به والدین بر تشویق و تمجید نوجوان در جمع، حفظ احترام و اهمیت دادن به نظرات او در تصمیم‌گیری‌های مهم زندگی، یادآوری و تأکید بر موفقیت‌های گذشته و صفات مثبت، عملکرد خوب و قابلیت‌های او بجای توجه به شکست‌ها و صفات منفی گذشته‌اش موجب رشد اعتماد به نفس و افزایش آگاهی او نسبت به توانمندی‌هایش می‌شود. همچنین، پرهیز از بیان مکرر اشتباهات، دادن فرصت اظهار نظر به نوجوان در جمع و فراهم آوردن شرایطی برای نشان دادن خود و کسب تجربیات موفقیت‌آمیز و مطلوب به نوجوان جهت رشد و تقویت سبک زندگی اسلامی کمک می‌کند. همچنین، تسهیل سبک زندگی اسلامی برای رشد و بهبود دیگر متغیرها ضروری بود.

با بررسی‌های انجام شده تحقیق به این نتیجه رسید که سبک زندگی اسلامی در بعد فردی، یک سبک میانه و در بعد اجتماعی سبکی متعادل است؛ میانه‌روی در سبک زندگی فردی تبیین‌کننده تعادل در سبک زندگی اجتماعی است؛ سبک زندگی اسلامی هم با دیگر نظام‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه و هم با اجزا و مجموعه‌های خود هماهنگی و انطباق لازم را دارد و در هیچ‌شانی از شئون زندگی فردی و اجتماعی نبودن توازن (افراط و تفریط) را از مسلمانان بر نمی‌تابند؛ و سرانجام اینکه تعادل در سبک زندگی اسلامی امری موردی نیست، بلکه مدلی عام و در همه شئون زندگی جاری و ساری است.

سبک زندگی برآمده از آموزه‌های اعتقادی و ارزشی است و بنیاد سبک زندگی اسلامی، علاوه بر اعتقادات که مشتمل بر روح توحید در تمامی شئون زندگی است، شامل امور ارزشی و اخلاقی ثابت است. تعالیم اسلام، دستورالعمل کلی به منظور وصول به سبک زندگی اسلامی را ارائه نموده است. بررسی تعامل دوسویه اجزای مثلث «نیاز، دین، سبک زندگی» نشان می‌دهد که میان این سه مقوله ترابط و پیوند گسست ناپذیری وجود دارد. روش تحقیق به شیوه توصیفی تحلیلی است. ظرفیت‌سازی در خانواده و توانمندسازی آن در روند دستیابی به سرمایه اجتماعی و جامعه سالم

با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی می‌تواند راه حل مناسبی برای مشکلات عصر حاضر محسوب شود. با توجه به استفاده روزافزون از رسانه‌های دیداری و تأثیرات اجتماعی-روانی تبلیغ مستقیم و غیرمستقیم کالا و خدمات از طریق این رسانه‌ها، و همچنین تمایل مردم به هم‌رنگ شدن با جماعت و مرجع قرار دادن رسانه‌ها برای تحقق این یکدست شدن، انتظار می‌رود خانواده‌ها به تدریج به سمت شرایطی سوق یابند که ارزش‌های مذهبی آن را برنمی‌تابد؛ از جمله می‌توان به مصرف‌زدگی، گسترش فرهنگ چشم هم‌چشمی و رقابت ناسالم برای مصرف هرچه بیشتر، ایجاد احساس محرومیت در قشر کم‌درآمد جامعه، کم‌رنگ شدن ارزش‌های مذهبی و هنجارهای اصیل فرهنگ ملی، اشاره کرد. این رسانه‌ها با ترویج مصرف‌زدگی، پیامدهای روانی، اجتماعی و اقتصادی بسیاری را به افراد و جامعه تحمیل می‌کنند که هر یک به نوبه خود می‌تواند زمینه‌ساز کنش و رفتاری غیر اسلامی و یا حتی ضد اسلامی شود. تغییر ذائقه مخاطبان توسط رسانه‌ها، شامل مدیریت اوقات فراغت نیز می‌شود. گرایش به شیوه‌های غربی، به‌گونه‌ای محسوس، افراد را از پر کردن اوقات فراغت به شیوه‌های توصیه شده اسلام از قبیل صرف این اوقات برای مناجات با خدا، حضور در مسجد و مجالس مذهبی، در کنار همسر و خانواده بودن، صلح‌رحم، سفر کردن و سیر در ارض به منظور عبرت‌آموزی و پند گرفتن و مواردی از این دست، بازمی‌دارد. نتایج پژوهش بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین محیط‌هایی که می‌تواند به صورت منظم سبک زندگی اسلامی را در درون افراد نهادینه کند و به جامعه رسوخ کند، خانواده مربیان است. خانواده‌ای که سرشار از جاذبه الهی؛ یعنی مودت، محبت، رحمت، شفقت و آرامش روانی محیط تربیتی که تسهیل‌کننده مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی است. نتایج بیان‌گر آن است که سبک زندگی اسلامی که مبتنی بر اعتدال است، زمینه‌ساز پیوند عاطفی در خانواده است و از پدیده گسست نسلی جلوگیری می‌کند. رخی از شاخصه‌های سرگرمی اخلاقی عبارت‌اند از: توحیدگرایی، توجه به قرب الهی، توجه به عالم غیب، واقع‌گرایی، عقلایی بودن، بیهوده و عبث نبودن، حفظ کرامت انسانی در سرگرمی، سرگرم نشدن به گناهان و اعتدال در پرداختن به سرگرمی. مفهوم سبک زندگی اسلامی بر این مبنا ابعاد روانی و احساسی و عاطفی فرد را سنجش می‌کند که برای آدمی دو بعد جسمی و روانی در نظر گرفته و بعد روانی و تظاهرات احساسی و عاطفی و هیجانی آن توسط این سازه سنجیده می‌شود و دیگر ابعاد سنجش نمی‌شود اما در این راستا انجمن اولیا و مربیان خاستگاهی بالا دارد که در آن مربیان و اولیا برای کودکان و نوجوانان به سه بعد جسمی، روانی و روحانی توجه می‌کنند که در نهایت

تعالی فردی آن بعد روحانی که ناظر بر معنویت و رابطه با عالم معنا و غیب است را نشان می‌دهد. برای آشنایی بیشتر مربیان با آموزه‌های تربیتی شهید مطهری در زمینه سبک زندگی اسلامی پیشنهاد می‌گردد:

در حد متعادل و نه افراط یا تفریط گونه به ویژگی‌ها و خصوصیات فراگیران توجه شود. چراکه برنامه هر درسی مبتنی بر انسان‌شناسی اسلامی، لزوماً الگویی تکاملی است. هرگونه برنامه‌ای که منجر به حرکت انحطاطی گردد؛ مناسب نیست.

پیشنهاد می‌گردد که آموزه‌های سبک زندگی اسلامی را در برنامه درسی و آموزشی و کار دانش آموزان در نظر گرفته شود و ارائه روش‌های تدریس و انتخاب گروه‌های کاری دانش آموزان در طول یادگیری با توجه به سبک‌های تفکر متنوع افراد صورت گیرد.

از راهکارهای کاربردی سازی مورد تأکید در این پژوهش، می‌توان به تغییر عوامل آسیب‌زا، تمهید شرایط رشد شخصیت افراد، فراهم‌سازی تجربه عملی سبک زندگی اسلامی و عوامل محیطی - اجتماعی اشاره نمود.

- بالا بردن کیفیت برنامه‌های رسانه‌های داخلی به‌ویژه رسانه ملی؛

- آموزش خانواده‌ها و افزایش آگاهی آنان در خصوص پیامدهای استفاده نادرست از اینترنت و ماهواره، در جلسات اولیا و مربیان و نیز از طریق رسانه ملی، به‌منظور اقناع آن‌ها برای استفاده کنترل‌شده از این رسانه‌ها؛

- آموزش آموزه‌های تربیتی بزرگانی چون شهید مطهری برای ایجاد حساسیت افراد نسبت به سبک زندگی خود و رعایت اصول اسلامی.

- از آنجا که سبک زندگی توصیه شده اسلام، دارای مجموعه‌ای از اصول «خودکنترلی» است که در صورت رعایت آن‌ها، نوعی تعادل در وضعیت عمومی جامعه به لحاظ جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و فرهنگی ایجاد می‌شود، ضرورت دارد نهادهای فرهنگی و آموزشی، با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان که مورد تأکید فقه پویای اسلام و به‌ویژه شیعه است، برای ارائه الگویی اسلامی - ملی از سبک زندگی، همسو با یکدیگر تلاش کنند و برنامه‌ای عملیاتی در این زمینه ارائه دهند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابراهیم پور، جمشید؛ رحیمی، سید داریوش. (۱۳۹۶). مؤلفه‌ها و شاخصه‌ای سبک زندگی اسلامی، تحقیقات جدید در علوم انسانی، ش ۱۹، ص ۱۱۷-۱۴۸.
۲. افتخاری، اصغر؛ مهجور، حمید. (۱۳۹۵). الگوی تربیت سیاسی از دیدگاه شهید مطهری علیه السلام، رهیافت انقلاب اسلامی، دوره ۱۰، ش ۳۶، ص ۷۷-۹۸.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ ق). وسائل الشیعة، قم، آل البيت علیهم السلام.
۴. حسین زاده یزدی، مهدی. (۱۳۹۴). تکامل و پیشرفت انسان و جامعه از دیدگاه شهید مطهری، فصلنامه علمی مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره ۳، ش ۵، ص ۳۷-۵۸.
۵. حسینی، سید حسن (۱۳۸۸). انسان‌شناسی دینی - تربیتی از منظر شهید مطهری، نشریه معرفت، سال هجدهم، ش ۱۴۱، ص ۱۳۱-۱۳۴.
۶. شجاعی زند، علی رضا (۱۳۹۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم.
۷. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۱). اخلاق و سبک زندگی اسلامی، تهران: نشر معارف.
۸. _____ و همکاران (۱۳۹۲). همیشه‌بهار؛ اخلاق و سبک زندگی اسلامی، قم: نشر معارف.
۹. شلیبی، احمد (۱۳۸۷). تاریخ آموزش در اسلام، تهران: نگاه معاصر.
۱۰. صافی، احمد (۱۳۹۱). آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، تهران: انتشارات، سمت.
۱۱. عبدالحی، محمد اسماعیل. (۱۳۹۲). سبک زندگی قرآنی، اصفهان: موسسه قرآنی کوثر.
۱۲. عرب زاده، متین السادات؛ خداپرست، امیرحسین. (۱۴۰۰). ایمان، عقلانیت و زندگی اخلاقی از دیدگاه کرکگور و مطهری، جستارهای فلسفه دین، دوره ۱۰، شماره ۲، ص ۱۰۹-۱۳۰.
۱۳. علاسوند. (۱۳۹۲). هنجارشناسی سبک زندگی دینی (تبیین سه اصل محوری)، زن در فرهنگ هنر، ۵(۱): ۶۲-۴۵.
۱۴. فصلنامه علمی، آموزشی فرهنگیان بسیجی، سال ۴، ش ۱۰، زمستان ۸۵.
۱۵. _____، سال ۴، شماره ۱۱، بهار ۸۶.
۱۶. _____، سال ۵، شماره ۱۴، ۸۶/۹.
۱۷. فقیهی، علی نقی، بهار (۱۳۹۲). رابطه تربیت دینی کودک با سبک زندگی اسلامی، پژوهش نامه تربیت تبلیغی، ش ۱، قم: پژوهشکده باقرالعلوم.
۱۸. کلانتری، علی اکبر (۱۳۸۸). الگوی مصرف (برگزیده اسلام و الگوی مصرف)، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵)، کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. ماهنامه پرورشی وزارت آموزش و پرورش تربیت، سال ۲۲، شماره ۵، ۸۵/۱۱.
۲۱. _____، سال ۲۲، شماره ۹، ۸۶/۳.
۲۲. _____، سال ۲۲، شماره ۲، ۸۵/۸.

۲۳. مجتهدی، هاشم. (۱۳۹۶). شاخصه‌های تربیت فردی از منظر شهید مطهری، فصلنامه سبک زندگی با محوریت سلامت، دوره ۲، ش ۱، ص ۱۱۶-۱۲۳.
۲۴. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۰). تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، قم: موسسه دارالحدیث.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، تابستان (۱۳۹۱) اخلاق در قرآن، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). تعلیم و تربیت در اسلام، انتشارات صدرا.
۲۷. _____. (۱۳۷۸). آشنایی با قرآن، ج ۸، ۷ و ۹، تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. _____. (۱۳۸۰). پانزده گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
۲۹. _____. (۱۳۷۴). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
۳۰. _____. (۱۳۶۴). جاذبه و دافعه علی علیه السلام، تهران: انتشارات صدرا.
۳۱. _____. (۱۳۷۳). حکمت‌ها و اندرزها، تهران: انتشارات صدرا.
۳۲. _____. (۱۳۶۹). ده گفتار، تهران: انتشارات صدرا.
۳۳. _____. (۱۳۵۳). سیری در نهج البلاغه، تهران: انتشارات صدرا.
۳۴. _____. (۱۳۸۰). شش مقاله، تهران: انتشارات صدرا.
۳۵. _____. (۱۳۷۴). فطرت، تهران: انتشارات صدرا.
۳۶. _____. (۱۳۸۰). تعلیم و تربیت در اسلامی، چاپ ۳۷، انتشارات صدرا.
۳۷. ملکی، حسن (۱۳۸۴). تعلیم و تربیت اسلامی: «رویکرد کلان نگر»، تهران: انتشارات عابد.
۳۸. _____. (۱۳۸۴). اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری، فصلنامه مصباح، شماره ۵۰.
۳۹. منطقی، محسن. (۱۳۹۴). مدیریت خانواده و کار در سبک زندگی اسلامی، پژوهش نامه سبک زندگی، شماره ۱، ص ۷۹-۹۸.